

رساله‌ای در باب مدارا و بردباری
(پیرو پرونده مرگ ژان کالاس)

۱۷۶۳

لتر
(فرانسوا - ماری آروئه)

احسان دستگیری
ویراستار: مهدی سجودی مقدم



ولتر، ۱۶۹۴ - ۱۷۷۸ م. Voltaire
 رساله‌ای در باب مدارا و بردباری؛ ولتر؛ ترجمه سیداحسان دستغیب؛ ویراستار مهدی سجودی مقدم.
 تهران: مهر اندیش ۱۳۹۷.
 ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۹۲۰۰
 ص ۲۲۴

رساله‌ای در باب مدارا و بردباری / ولتر : ترجمه سید احسان دستغیب ؛ ویراستار مهدی سجودی مقدم.

97A-60-6395-92..

UP 111

Traite sur la tolerance

کلاس، ژان، ۱۶۹۸ - ۱۷۶۲ م

دستغیب، احسان، ۱۳۵۹ - مترجم

BL 64-19815 139V

QALOFFO

YY/FF

در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای ویرگول نابجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.

رساله‌ای در باب مدارا و بردباری

• وَلَدٌ (فاحسوا - ماري آروئه).

• ترجده استغیاب •

• ویراستار: مهدی سجودی مقدم •

• گرافیکست و طراح چاپ: نرگس پاینده •

• آماده‌سازی و نظارت فنی: مهران‌دیش • پارسا مهران، ۱۳۹۹ •

• چاپ: قشقایی • ۵۰۰ نسخه • شماره زیر: ۱۰۰

• قیمت: ۴۴۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵-۹۲-۰



هرگونه خلاصه نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل و یا به قسمی آن، آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و مجاز نیست. پیگرد قانونی است.

انتشارات مہر اندیش

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از خیابان وحید نظری، کوچه

غلامرضا قدیری، شماره ۲۳.

91255916.2

تلف: ۶۶۴۸۹۳۶۵-۲۱.

www.mehrandishbooks.com

mehrandish@yahoo.com

◀ @mehrandsishbooks



فهرست

پیشگفتار مترجم.....	۷
فصل اول / اخلاص و ماجرای مرگ ژان کالاس.....	۱۷
فصل دوم / سندها و تعذیب ژان کالاس.....	۳۵
فصل سوم / انتقام و سلاطین در قرن شانزدهم.....	۳۹
فصل چهارم / این را هلسنگیز است و خطرناک، و نزد کدام ملت ها جایز و پسندیده است؟.....	۴۷
فصل پنجم / چگونه مدارا و بردباری اعمال و پذیرفته می شود؟.....	۶۱
فصل ششم / آیا عدم مدارا و بردباری برتری و حقوق طبیعی و حقوق انسانی است؟.....	۶۹
فصل هفتم / آیا یونانی ها تعصب و نابردباری را تجربه کرده بودند؟.....	۷۱
فصل هشتم / آیا رومی ها بردبار و اهل مدارا بودند؟.....	۷۵
فصل نهم / شهیدان.....	۸۵
فصل دهم / خطر افسانه های ساختگی و سرکوب.....	۱۰۳
فصل یازدهم / سوء استفاده از نابردباری.....	۱۱۳
فصل دوازدهم / آیا نابردباری و سخت گیری 'جزئی از حقوق و قوانین الهی' بوده و آیا همیشه اعمال و اجرا می شده است؟.....	۱۲۱
فصل سیزدهم / بردباری فراوان یهودی ها.....	۱۳۹
فصل چهاردهم / آیا عیسی مسیح به ترویج سرسختی و نابردباری پرداخته است؟.....	۱۴۵
فصل پانزدهم / شهادت و گواهی علیه نابردباری و عدم تحمل.....	۱۵۵
فصل شانزدهم / گفت و گو بین فردی نزار و مُردنی و مُردی که قَبْر است و تندرست است.....	۱۵۹

فصل هفدهم/ نامه به میشل لُتلیه ژزونیت از طریق فردی ذی نفع به تاریخ ششم ماه	۱۷۱۴
۱۶۳	
فصل هجدهم/ تنوع مواردی که نابرداری و عدم تحمل 'حقّی انسانی است'.....	۱۶۹
فصل نوزدهم/ وادیب مشاخره‌ای جدال‌برانگیز در چین.....	۱۷۳
فصل بیستم/ نکته‌ها سخن مردم در خرافات و موهومات 'مفید و لازم است؟'....	۱۷۷
فصل بیست و یکم/ تقوا از علم برزخ تر است.....	۱۸۵
فصل بیست و دوم/ بردباری، فاساد و همان‌شبه‌ها.....	۱۸۹
فصل بیست و سوم/ مناجات با خداوند.....	۱۹۵
فصل بیست و چهارم/ پیوست و ضمیمه.....	۱۹۷
فصل بیست و پنجم/ ادامه و نتیجه‌گیری.....	۲۰۳
مقاله‌ای تازه افزوده شده که در آن از آخرین حکم به نفع خانواده کالاس صادر شده	
است، آگاه می‌شویم.....	۲۰۹
فهرست اسامی اشخاص و مکان‌ها.....	۲۱۵

پیشگفتار مترجم

مقوله و مباحثی که این کتاب پیرامون آن به نگارش درآمده، نه تنها در عصر خود پیسنده حائز اهمیت فراوانی از سوی او و هم‌فکرانش تلقی می‌شد، بلکه آن را در رتبه صلح، ثبات و آرامش و بالطبع رسیدن به یک جامعه پویا می‌دانسته‌اند. بلکه این مباحث در باب بردباری، تحمل و سعه صدر به عنوان یک مسر و درس کاربردی در دوران امروز نیز از اهمیت راهبردی بنیادینی بهره‌مند است. دورانی که سرعت تبادل افکار و اطلاعات به نحوی حیرت‌انگیز شتاب گرفته و فرصه را برای ایجاد اصطکاک و به دنبال آن مقابله‌هایی خشونت‌آفرین فراهم نموده است. در چنین شرایطی گرایشاتی که بر راهبردی مبتنی بر تعقل، بردباری و مدارا تأکید کند همچنان ارج و مرتبت برجسته و اساسی خود را حفظ کرده و به کلی افزونتر از اهمیت بسیار فراوانی برخوردار است.

وُلتر و هم‌کیشان او، مدارا و بردباری را در جامعه فرانسوی و اروپایی برآمده از چند سده رنج و درد خشونت و رویارویی عقیده‌ها، صرفاً به عنوان یک گزینه و یا امری اخلاقی و بر اساس توصیه و پیش‌هاستریق نکرده‌اند، بلکه آن را به عنوان خط‌مشی راهبردی و اجرایی دولت و حاکمیت‌های وقت خود الزامی و حیاتی تلقی نموده‌اند.

در قرن هجدهم میلادی فرهنگ و ادبیات فرانسه در رتبه نخست اروپا قرار گرفته بود که در این میان وُلتر از سردمداران این عرصه تلقی می‌شود.

او را به واسطه نوشته‌های فلسفی و نگاه انتقادی‌اش توأم با طنز خاص و هوشمندانه که علیه بی‌عدالتی، تعصب و افراطی‌گری و بی‌رحمی جنگ‌ها می‌نوشت، می‌شناسند. در فرانسه اواسط قرن هجدهم او نویسنده‌ای است مبارز در راه اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی. در آن دوران که بیشتر و بیشتر در جامعه وقت فرانسه از این مقوله‌ها سخن گفته می‌شد، نوشته‌های ولتر به انتقادی ساختارمند و ریشه‌ای نسبت به دربار پادشاهی، دستگاه عدالت، مقوله سانسور و روایت کلیسا از آیین مسیحیت، و جهل و فساد ناشی از آن می‌پرداخت. هرچند که او به واسطه اختناق و استبداد شدید حاکم جامعه نمی‌توانست کُنه اعتقادات و نظریات خود را به صورتی کاملاً بی‌پرده و شفاف قلم بزند، اما با منش و روش نویسندگی‌اش این پیام را به خواننده‌ای که زیرک باشد، می‌رساند که می‌خواهد فریاد بزند و به هسته اصلی گرفتار و مشکلات جامعه فرانسه زمان خود بتازد، در عین حال مجبور است برای امنیتش ویش و حفظ همین موقعیت که تا این اندازه اجازه قلم زدن داشته باشد، جایب‌اندازی‌ها و سیاط حداقلی را رعایت کند.

اروپای قرن هجدهم، فاسده و فرومانده، برآمده از جنگ‌های خانمان‌سوز مذهبی و عقیدتی قرن‌های شانزدهم تا هفدهم بود که به کرات کاتولیک‌ها در برابر پروتستان‌ها و سایر شاخه‌های مذهبی مسیحیت برآمده از اصلاحات مارتین لوتر^۱ و ژان کالین^۲ قرار گرفتند. در این جنگ‌ها که آتش آن از سرزمین‌های ژرمنیک تا فرانسه و اسکاتلند و ایرلند را فراگرفته بود، ده‌ها و صدها هزار نفر بعضاً به طرز بسیار فجیع جان باختند.

به‌طور مشخص‌تر در فرانسه از قرن شانزدهم میلادی انسان‌ساقا پدید آمده به واسطه تفکرات اصلاح‌طلبانه منجر به تقابل و رویارویی

1. Martin Luther (1483-1546).

2. Jean Calvin (1509-1564).

بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها گردید که نهایتاً به جنگ داخلی خونینی سمت‌وسو پیدا کرد. اولین اعدام‌ها و سرکوب‌ها نسبت به کسانی که به تفکرات جدید گرویده بودند، در سال‌های ۱۵۲۰ میلادی آغاز شد. اما این دهه‌های ۱۵۴۰ و ۱۵۵۰ بودند که شاهد اوج‌گیری سریع درگیری‌ها و رویارویی اجتماعی و بروز مناقشات و خونریزی‌های جدی شدند. در پایان پادشاهی هانری دوم منازعات 'رنگ‌وبوی سیاسی نیز به خود گرفت'. جنگ‌های مذهبی در سال ۱۵۶۲، بعد از چند سال آرامش نسبی، از سر گرفته شد. این جنگ‌ها و درگیری‌های بی‌امان منجر به تضعیف حاکمیت پادشاهی نیز گردید. در آن دوران، پادشاهانی چون فرانسوای اول و هانری دوم سرکوب‌گر مذهبی نسبت به قدرت خود را برنماییدند، اما با مرگ ناگهانی هانری دوم، در ۱۵۵۹، جانشینان او، یعنی فرانسوای دوم و شارل نهم، از آنجا که نتوانستند جوان بودند، در تحکیم و تحمیل قدرت حاکمیت خود موفق نبودند و نتوانستند مانع از آن شوند که فرانسوی‌ها یکدیگر را بکشد و قطعاً نتوانستند در میان دو اردوگاه متخاصم، ملکه مادر، یعنی کاترین دُ مدیسس، بین دو مح و بردباری مذهبی از یک طرف و سرکوب و سرسختی مردم و مُذَبِّد بود.

سرشت و ساختار فنودالی کشور نیز با اصلاح عمل رویه‌افزایش شاهزاده‌ها، دوک‌ها و اُمرای مناطق مختلف به‌صورتی خطرناک شبکه طرفداران خود را می‌گسترانیدند.

با روی کار آمدن هانری چهارم 'جنگ‌های مذهبی' پایان پذیرفت و نوعی آتش‌بس شکل گرفت، هرچند به صلحی پایدار نینجامید. هانری چهارم بیش از آنکه پادشاه شود، به پروتستان‌تیزم گرویده بود، اما هانری که تاج و تخت فرانسه بنا به قوانین موروثی به او رسید، مجدداً و به احتمال زیاد برای مصلحت 'کاتولیک' شد. او تلاش بسیاری برای ایجاد صلح

در کشور و کاهش تنش بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها از خود نشان داد. کوشش‌های او نهایتاً منجر به صدور فرمان نانت^۱ در سال ۱۵۹۸ گردید. این فرمان که از آن به عنوان فرمان بردباری و مدارا نیز یاد می‌کنند، تقریباً نخستین قانونی در اروپا بود که بر آزادی دین و مذهب تأکید می‌کرد و حقوق شهروندی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی پروتستان‌ها را در بسیاری از مناطق پادشاهی به رسمیت شناخت و نیز اجازه داد تا در بسیاری از شهرها، به جز پاریس و تولوز، پروتستان‌ها نیایشگاه و عبادتگاه مخصوص خود را داشته باشند. با این وجود مذهب کاتولیسیم همچنان به عنوان مذهب رسمی فرانسه باقی ماند و پروتستان‌ها نسبت به کاتولیک‌ها از آزادی‌ها، محددتری برخوردار بودند. با کشته شدن هانری چهارم و روی کار آمدن لویی یازدهم، فرمان نانت تضعیف شد و نهایتاً در دوران پادشاهی لویی چهاردهم - به سال ۱۶۸۵ این فرمان باطل اعلام گردید و پروتستان‌ها تحت «دین» بی سرکوب قرار گرفتند و به جز ایالت آلزاس در شمال کشور، در تمامی مراکز آیین پروتستان قذغن شده و حقوق شهروندی و مدنی آن‌ها سلب گردید، تا جایی که اگر کشیشی پروتستان را در حال انجام فرایض دینی خود می‌دیدند، اعدام می‌کردند.^۲

جنایت‌های بی شماری که در قرن هجدهم در آیین مسیحیت برآمده از کلیسا به نام خداوند و مسیح صورت گرفت، جزئی از نقاط تاریک تاریخ تلقی می‌شود. هر چند جوامع اروپایی و غربی در این تاریخ شوم به ندرت از آن سخن می‌گویند تا بلکه چهره بزرگ‌شده مسیحیت را مصون از هر تباهی معرفی نمایند، اما بر تاریخ‌دانان و ژرف‌اندیشان به شکی نیست

1. L'édit de Nante.

۲. این شدت عمل علیه پروتستان‌ها تا تقریباً یک صد سال بعد ادامه یافت تا بالاخره در سال ۱۷۸۷ لویی شانزدهم با صدور فرمان ورسای (L'édit de Versaille) به سرکوب و اختناق نسبت به پروتستان‌ها پایان بخشید. با وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ نیز حقوق کامل و برابر شهروندی و مدنی به پروتستان‌ها اعطا شد. (م)

که آفت جهل و خودکامگی و تعصب کورکورانه می‌تواند گریبان‌گیر هر آیین و دینی شود و صرفاً مختص یک طریقت و دین خاصی نیست.

از این روست که نویسنده دغدغه اصلی جامعه را رهایی از این جهل و تعصب دانسته و بردباری و مدارا را لازمه و محرکی برای نیل به خرد و اندیشه و پیشرفت معنوی و مادی جامعه قلمداد می‌کند. در این راستا اثر نه تنها در دوران نویسندگی اش به انتقاد و حمله و نیز تمسخر ادبی و همدانۀ اعتقاداتی که بر پایه آن‌ها خشونت‌ها شکل می‌گیرد، مشغول است، بلکه با بازگشت به روایات و تفسیرهای کهن از احادیث و سیره عیسوی و حواری و نیز تاریخ یهودیت، تلاش بر ریشه‌یابی و راست‌آزمایی تفاسیر روایات کهن می‌کند. به تحلیل و تقبیح بسیاری از باورهای رایج دوران مدرن پرداخته، با اثبات اینکه بسیاری از این روایات و تفاسیر بی‌سروته هستند و پیام بی‌قیمت آیین عیسوی را مخدوش کرده‌اند، آن‌ها را خوراک خشونت‌ها و جنگ‌ها، خاندان‌سوز عنوان می‌کند.

هرچند اروپا در قرن هجدهم دوران جنگ‌های سخت مذهبی را طی کرده و دولت‌های اروپایی 'خسب و بزمق' از این جنگ‌ها و نیز رقابتی که بین یکدیگر برای تصاحب و استعمار سرزمین‌های جدید در آفریقا و آمریکا دارند، توانی برای رویارویی‌های مذهبی در خود نمی‌بینند، اما جامعه فرانسه همچنان از حالت دوقطبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها و سایر شاخه‌های مذهبی مسیحیت آن‌چنان‌که باید فاصله نگرفته است. این در حالی است که در قرن هجدهم شاهد رشد عقلانیت، فایده‌گرایی و تأکید فراوان به علوم طبیعی هستیم و پیروان مکتب روشنگری 'برعکس' دوران تاریکی 'و ترویج شناخت و آگاهی و مقابله با خرافات و نابرداری و سوءاستفاده کلیسا از قدرت و دولت تأکید می‌نمایند.

ولتر که عضو برجسته تفکر روشنگری در فرانسه قرن هجدهم است،